

صفحات ۲۳۶ - ۲۲۳

## میان‌کنش عبادات و تربیت با تأکید بر ابعاد تربیتی و اخلاقی کفارات مذکور در قرآن کریم

محسن ملک افزلی اردکانی<sup>۱</sup>

### چکیده

تأثیر گذاری عبادات، بر اخلاق و تربیت دینی بندگان موحد، غیر قابل تردید و انکار است. اینکه این کنش‌گری، در چه ساحت‌هایی از ابعاد فردی و اجتماعی زندگی انسان متعبد محقق می‌شود، مسأله‌ای است که در این مقاله به آن پرداخته شده است. مفهوم شناسی و بیان ماهیت کفارات (به عنوان یک عبادت شرعی) و اثرگذاری ادای آن‌ها در اخلاق فردی و تربیت اجتماعی، موضوعات دیگری است که با روش تحلیل و توصیف متون دینی، به ویژه آیات مربوط به کفارات، مورد بررسی قرار گرفته است. این نوشتار بر این فرض استوار است که آثار متعدد تربیتی و اخلاقی بر انجام این عبادت، یعنی ادای کفارات، مترتب است. برجسته‌ترین اثرهای عمل به این حکم شرعی عبارت است از: «بازگشت به درگاه ربوبی»، «استحکام پایه‌های ایمانی» و «تنبیه و تطهیر مرتکب فعل حرام از طریق مجازات وی» از جمله این آثار دانسته شده است.

### واژگان کلیدی

عبادات، تربیت عبادی، کفارات، اخلاق، فقه تربیتی.

۱. دانشیار جامعه المصطفی العالمية.

## طرح مسأله

فقه پویای اسلام، نه فقط عهده‌دار قانون‌مند کردن و بیان بایدها و نبایدهای زندگی فردی و اجتماعی افراد بر پایه شریعت الهی است، بلکه بار هدایت فرد و جامعه به سوی فلاح و رستگاری دنیوی و اخروی را بر دوش می‌کشد. حرکت در این مسیر، مستلزم بکارگیری توأمان تکلیف‌مداری و اخلاق‌مداری است. فقدان هر یک، ایستایی یا نقصان هدایت یافتگی انسان متشرع را در پی خواهد داشت. چه اینکه فقه از یک سو، انسان را در عمل به تکالیف خود یاری بخشیده و با بیان بایدها و نبایدها (احکام تکلیفیه) و برنامه‌های عبادی برخاسته از احکام فقهی، وی را در چارچوب زندگی دین‌محور قرار داده و از دیگر سو، در سایه عمل به این احکام و تکالیف رخت تنزیه و تربیت بر او پوشانده، مسیر خیر و سعادت را برای وی هموار می‌کند.

هدف‌مندی احکام شرعی و نهفته بودن مصالح و مفاسد در ورای واجبات و محرمات، امری مسلم است. لکن این اهداف و مصالح احکام شرعی و عبادات، گاه برای مجتهد و مکلف روشن و گاه بر ایشان پوشیده است. اگرچه مقام بندگی مقتضی آن است که هیچ کس در پی علت و فلسفه احکام نبوده و بی چون و چرا مطیع و منقاد امر مولا باشد، لکن روشن است که اطلاع مکلف از هدفمند بودن احکام شریعت و تبعیت آن‌ها از مصالح، او را به سوی عبادت و اطاعت امر مولا جلب می‌کند. کفارات نیز از عباداتی است که می‌توان از مجموع اهداف و اغراض شارع مقدس، برای آن مقاصد و نقش‌هایی چند تصور کرد. جبران آسیب‌های اجتماعی ناشی از عمل مرتکب فعل حرام و تنزیه وی، از مقاصد و آثاری است که در نگاه اول به کفارات بدنی و مالی، به ذهن خطور می‌کند.

جایگاه و نقش این نهاد تأثرگذار شرعی در منظومه عبادات و فقه غنی اسلامی آنگاه بیشتر پدیدار می‌شود که از دریچه اخلاق و تربیت به آن نگریده شود. از این منظر، کفارات به مثابه پوشش و جبران‌کننده سوء رفتار شخص در پنهان و آشکار است. همان‌گون که از بررسی متون دینی به دست می‌آید، نه تنها برای برخی گناهان و جرایم بزرگ مثل قتل عمد، کفاره مقرر شده است، بلکه برای برخی رفتارهای انسان که در ظاهر مباح هم هست، کفاره در نظر گرفته شده است. در بسیاری از این موارد، کفاره جنبه سازندگی داشته و با هدف تأدیب و تربیت شخص، تشریح شده است.

در ادامه، ابتدا مفهوم لغوی و اصطلاحی کفاره، ماهیت، موجبات، اقسام و خصال کفارات از نظر خواهد گذشت، آنگاه تربیت مقصدی و تأثیرات عبادت بر انسان فردی و اجتماعی مورد اشاره قرار داده شده و در نهایت نقش کفارات در تعالی اخلاقی و تربیتی انسان پیش روی خواننده این سطور قرار خواهد گرفت.

یادآور می‌شود، هرچند کم و بیش در مورد نقش عبادات (به طور کلی) در تربیت و تعالی

اخلاق فردی و اجتماعی، تحقیقاتی به عمل آمده است، اما بر اساس بررسی‌هایی که نویسنده این مقاله انجام داده، هر یک از عبادات (به طور خاص)، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در میان نقش اخلاقی و تربیتی ادای کفارات، موضوعی است که تاکنون هیچ تحقیقی پیرامون آن صورت نگرفته است و نمی‌توان برای مطالب ارایه شده در این مقاله نظریه رقیبی یافت.

### مفهوم کفاره، موجبات، اقسام و خصال آن

#### مفهوم لغوی کفاره

کفاره در لغت از ماده «کاف، فاء و راء» گرفته شده که در همه کاربردهای آن به یک معنی به کار می‌رود. این معنی عبارت است از: «مخفی کردن و پوشاندن». به کسی که سپرش را مخفی کرده گفته می‌شود «قد کَفَرَ دِرْعَه». به دریا و رودخانه بزرگ کافر گفته می‌شود، چون خورشید را در خود می‌پوشاند و زارع را کافر می‌نامند چون دانه بذر را با خاک می‌پوشاند و کفر را ضد ایمان می‌دانند؛ زیرا پوشش حق است، همین گونه است کُفران نعمت؛ چرا که انکار و نادیده گرفتن آن است. (ابن فارس، ۸۶۲/۱۳۹۰) بنابراین کفاره یعنی مبالغه در ستر؛ چنانچه گناه را از انسان محو می‌کند و آن را می‌پوشاند. (طریحی، ۴۷۶/۳؛ راغب، ۷۱۷)

#### مفهوم اصطلاحی کفاره و ماهیت آن

فقها مفهوم لغوی کفاره را در معنای اصطلاحی آن به کار برده‌اند و میان ایشان اختلاف چندانی در مورد کاربرد شرعی و فقهی این اصطلاح مشاهده نمی‌شود. یکی از نگارندگان مصطلحات فقهی در بیان این مفهوم گفته است: «کفاره عبارت است از عبادت مالی یا بدنی که خداوند آن را در دینش به صورت مؤاخذه‌گونه و عقوبت به خاطر مخالفت حکمش، تشریح کرده است. به طوری که ساقط کننده یا کاهش دهنده مجازات الهی، محوکننده آثار گناه از قلب مؤمن یا جبران کننده نقص ایجاد شده در عمل است. کفاره به صورت قولی [مثل استغفار] یا فعلی [مثل روزه گرفتن] و بذل مال [مثل آزاد کردن بنده، اطعام و پوشاندن فقرا] است.» (مشکینی، ۴۳۸/۱۳۸۴) همچنان که ملاحظه می‌شود، نویسنده این تعریف، هدف و علت تشریح کفارات و ماهیت چندگانه آن‌ها را از نظر دور نداشته است. «محو آثار گناه از قلب مؤمن» از اهداف و مصالح نهفته در ورای عمل به ادای کفاره است که به عنوان جنبه تربیتی آن، از نظر این محقق، دور نمانده است.

بحث از چیستی کفاره و ماهیت آن در سامان یافتن و اثبات اندیشه نهفته در ذهن نویسنده، مبنی بر نقش تربیتی و سازنده بودن برای انسان، بسیار یاری‌بخش است. هرچند در بیان مفهوم اصطلاحی کفاره به شرحی که بالاتر گذشت، به نوعی به ماهیت آن نیز اشاره شده است، با این حال مروری بر اقوال فقها در این باره خالی از فایده نیست. توضیح آن که دانشیان فقه پس از بیان مفهوم لغوی کفاره و در مقام تشریح مفهوم شرعی و اصطلاحی آن به چیستی و ماهیت

کفاره اشاره کرده‌اند. بدین بیان که: «کفاره عبادت مخصوصی است که غالباً ساقط کننده مجازات گناه یا تخفیف دهنده آن است.»<sup>۱</sup> (سیوری، ۳۹۱/۳/۱۴۰۴؛ شهید ثانی، ۵/۱۰/۱۴۱۳؛ موسوی عاملی، ۲۳۹/۶/۱۴۱۱ و خوانساری، ۲/۵/۱۴۰۵) ایشان دلیل اتیان قید اغلیبیت در تعریف راه، گناه نبودن برخی موجبات، مثل قتل خطایی دانسته و معتقدند چنین قتلی اصولاً گناه شمرده نمی‌شود تا کفاره مسقط آن باشد. افزون بر آنکه بسیاری از گناهان با توبه ساقط می‌شود و کفاره‌ای در مورد آن‌ها فرض نشده است.

گویا فاضل مقداد سیوری در بیان ماهیت کفارات از دیگران پیشی گرفته و پس از آنکه کفاره را از اعظم طاعات دانسته، آن را از حیث چیستی به چهار نوع دسته‌بندی می‌کند. بدین ترتیب که کفاره گاه «عقوبت محض» است، مثل کفاره قتل عمد و شکستن روزه با حرام یا کفاره قتل صید در حال احرام که به صراحت آیه ۹۵ سوره مائده<sup>۲</sup> مجازات شناخته شده است، و گاه کفاره «تخفیف دهنده گناه» است؛ مانند کفاره ایلاء وظهار و گاه «محتمل الوجیهین» است، یعنی حسب مورد ممکن است عقوبت یا مخفف گناه باشد؛ مثل کفاره افطار ماه رمضان و نهایتاً گاهی کفاره جنبه «تأدیب» دارد، مانند کفاره قتل خطایی. (سیوری، همان) آنچه در خور توجه است آن است که با ملاحظه نصوص مندرج در ابواب کفارات، کفاراتی که هدف تربیتی و تأدیبی دارد به خوبی رخ می‌نماید و بازشناسی این دسته از کفارات از سایر کفارات آسان‌تر از سایر کفارات است. در بخش پایانی این مقاله صحت این ادعا از نگاه خواننده خواهد گذشت.

### موجبات، اقسام و خصال کفاره

غالب فقها کفارات را طی سه مبحث عمده سامان داده‌اند. شامل: موجبات، اقسام و خصال کفاره. در زیر به اختصار و فهرست‌وار، این سه مبحث بیان شده و مطالعه تفصیلی آن به جای خویش واگذار می‌شود (ر.ک. طباطبایی، ۲۰۳/۲/۱۳۷۴؛ کیدری، ۴۸۷/۱۴۱۶؛ عاملی، ۱۸۰/۲/۱۴۱۷؛ همو، ۸۵/۱۴۱۰؛ شهید ثانی، ۳۳-۱۳/۳/۱۴۱۰؛ بحرانی، ۳۳۴/۱۳/۱۴۰۵؛ اصفهانی، ۵۸۷/۱۴۲۲؛ خوانساری، ۲/۵/۱۴۰۵؛ امام خمینی، بی‌تا، ۱۲۵/۲؛ خویی، ۳۲۱/۲/۱۴۱۰؛ سبزواری، ۳۲۷/۲۲).

۱- موجبات کفاره یعنی انجام بعضی اعمال که به طور مطلق یا در حالات خاصی بر مکلف حرام است. این موجبات از حیث تعداد فراوان است و احصای تمامی آن‌ها از حوصله این

۱ - «الکفارة شرعاً طاعة مخصوصة مسقطه لعقوبة ذنب أو مخففة له غالباً».

۲ - یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْتُلُوا الصَّيِّدَ وَ أَنْتُمْ حُرْمٌ وَ مَنْ قَتَلَهُ مِنْكُمْ مُتَعَمِّدًا فَجَزَاءٌ مِثْلُ مَا قَتَلَ مِنَ النَّعْمِ يَحْكُمُ بِهِ ذَوَا عَدْلٍ مِنْكُمْ هَدْيًا بِالِغِ كُفَّةٍ أَوْ كَفَّارَةٌ طَعَامٌ مَسَاكِينَ أَوْ عَدْلٌ ذَلِكَ صِيَامًا لِيَذُوقَ وَبَالَ أَمْرِهِ غَفَا اللَّهُ عَمَّا سَلَفَ وَ مَنْ عَادَ فَيَنْتَقِمُ اللَّهُ مِنْهُ وَ اللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ.

تحقیق خارج است اما گونه‌هایی از آن عبارت است از:ظهار، قتل، صید در حرم، حنث یمین و عهد و نذر و ... .

۲- اقسام چهارگانه کفاره عبارت است از: مرتبه، مخیره، جامع مرتبه و مخیره و کفاره جمع.

۳- خصال کفاره عبارت است از: عتق رقبه، صوم، اطعام و اکساء. البته این چهار چیز موارد اصلی خصال شمرده می‌شوند و در فقه از موارد دیگری نیز به عنوان خصال نام برده شده است، مانند: یک دینار یا نصف و ربع آن، کفّی از تمر، استغفار، غسل و ... .

برخی هم تقسیم دیگری بر دسته‌بندی‌های فوق افزوده‌اند و کفارات را به واجب و مستحب تقسیم کرده‌اند. (سبزواری، ۱۳۱۴/۲۲/۳۲۶) همانطور که دقت در خصال برشمرده شده، انواع دوگانه دیگری را برای خصال کفارات به تصویر می‌کشد؛ نوع نخست خصال عبادی (بدنی): یعنی کفاره‌ای که باید به صورت عبادت تدارک شود و به گونه‌ای بر بدن انسان تحمیل می‌شود. فرد غالب این دسته از کفارات روزه گرفتن است. نوع دیگر خصال غیر عبادی (مالی): یعنی کفاراتی که باید برای ادای آن مالی را خرج کرد. این نوع خصال‌ها عبارت است از: عتق رقبه (آزاد کردن بنده) و اطعام مساکین، اکساء (پوشاندن لباس به فقرا).

### تربیت مقصدی عبادات و دستورات شارع مقدس

همچنان که پیش‌تر اشاره شد، یکی از ویژگی‌های احکام شریعت، هدف‌مندی و مقصد داشتن آن است. بدین ترتیب که در ورای واجبات و مستحبات و حتی مباحات مصلحت و سودمندی و در پس محرمات و مکروهات، مفاسد و خسران‌هایی نهفته است. برخی از این مصالح و مفاسد بر مکلفان عیان و بعضی از آن‌ها نهان است. لکن عابد راستین، دانستن یا ندانستن آن برایش فرقی نداشته و با اعتماد به مولای خود به اقامه امر او گردن می‌نهد. با این حال در روایات رسیده از معصومان گاهی مقصدی از مقاصد عبادات مورد اشاره قرار گرفته و حکمت یا علت برخی عبادات و احکام شرعی، مورد اشاره قرار گرفته است. همان‌گونه که در کلام گهربار فاطمه زهرا (س) آمده است:

«خداوند ایمان را موجب پاکی شما از شرک قرار داد و نماز را برای دوری از تکبر و زکات را باعث طهارت روح و فزونی در روزی و روزه را برای پایداری اخلاص و حج را موجب استواری دین و عدل را برای تقویت دلها و پیروی از ما اهل بیت را موجب نظم ملتها و پیشوائی ما را برای امان از تفرقه و جهاد را موجب عزت اسلام، معین کرد. و چنین مقدر فرمود که صبر موجب استحقاق پاداش، امر به معروف مصلحت‌اندیشی برای همگان و نیکی به پدر و مادر سپری از خشم پروردگار و صلّه رحم موجب زیاد شدن عمر و قصاص موجب جلوگیری از خونریزی‌ها گردد و وفای به نذر سبب بخشش باشد و کامل کردن ترازوها موجب عدم زیان و نهی از آشامیدن

شراب برای پاکی از پلیدی و دوری از تهمت ناروای جنسی پرده‌ای برای جلوگیری از لعن و ترک دزدی موجب حفظ عفت جامعه شود و خداوند شرک را حرام فرمود تا در ربوبیت او اخلاص باشد. پس آن گونه که شایسته است، تقوای الهی را پیشه خود کنید و جز در حال مسلمانی از دنیا نروید و در اوامر و نواهی الهی اطاعت کنید، زیرا فقط بندگان عالم از خداوند خوف دارند.»<sup>۱</sup> (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۹۹)

آن گونه که از فراز نخست این کلام حضرت زهرا (س) - که به خطبه فدکیه معروف است - برمی‌آید، همه مقاصد و اهدافی که برای عبادات مذکور در این خطبه بیان شده است، از سوی شارع مقدس قرار داده شده است. این امر نشان از حکمت بی انتهای خداوند متعال است که همه زمینه‌های معاش انسان، از اخلاق و تربیت گرفته تا اقتصاد و اجتماع را در ورای عبادات جعل کرده و به آن گره زده است. به بیانی دیگر اتیان عبادت افزون بر آنکه مسقط تکلیف و تضمین کننده سعادت اخروی است، آثار وضعی و منفعت دنیوی نیز در پی دارد. و این امر ترجمان دیگری است از آیه شریفه ۵۶ سوره مبارکه ذاریات که می‌فرماید: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»؛ چه این که با عبادت است که سعادت‌مندی دو سرای انسان تضمین می‌شود؛ لذا خداوند در این آیه، مطالبه عبادت از انسان را مایه خوش‌بختی او قرار داده است. البته پر واضح است که تأثیرپذیری انسان از آثار تکلیفی و وضعی عبادات و اطاعت اوامر و نواهی الهی، آنگاه به وقوع خواهد پیوست که عبادت کردن و اطاعت از خداوند همراه با اخلاص و قصد تقرب به خدا باشد؛ همان طور که این مهم در فراز اخیر این کلام حکیمانه بیان شده است.

### ابعاد تربیت عبادی انسان در قرآن کریم

قرآن کریم ابعاد سه‌گانه‌ای را به عنوان آثار وضعی عبادات و اطاعت از امر پروردگار به تصویر می‌کشد. بدین ترتیب که با در نظر داشتن انسان به عنوان یک فرد مترپّی، گاهی آثار وضعی عبادت و یاد خدا بر ابعاد نفسانی یا جسمانی او را بیان کرده و گاهی با توجه به موقع اجتماعی انسان، اثر اجتماعی عبادت را مورد توجه قرار می‌دهد. این سه که در ادامه بر آن مروری خواهد شد، «ابعاد تربیت عبادی انسان» را شکل می‌دهد:

۱ - «فَجَعَلَ اللَّهُ الْإِيمَانَ تَطْهِيراً لَكُمْ مِنَ الشَّرِّ وَالصَّلَاةَ تَنْزِيهاً لَكُمْ عَنِ الْكِبْرِ وَالزَّكَاةَ تَزَكِيَةً لِلنَّفْسِ وَنَمَاءً فِي الرِّزْقِ وَالصَّيَامَ تَشْبِيهاً لِلْإِخْلَاصِ وَالْحَجَّ تَشْبِيهاً لِلدِّينِ وَالْعَدْلَ تَشْبِيهاً لِلْقُلُوبِ وَطَاعَتَنَا نِظَاماً لِلْمِلَّةِ وَإِمَامَتَنَا أَمَاناً لِلْفَرْقَةِ وَالْجِهَادَ عِزاً لِلْإِسْلَامِ وَالصَّبْرَ مَعُونَةً عَلَى اسْتِجَابِ الْأَجْرِ وَالْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ مَضْلِحَةً لِلْعَامَةِ وَبِرَّ الْوَالِدَيْنِ وَقَابَةَ مِنَ السُّخْطِ وَصِلَةَ الْأَرْحَامِ مَنَسَةً فِي الْعُمُرِ وَمَنَامَةً لِلْعَدَدِ وَالْقِصَاصَ حَقّاً لِلدَّمَاءِ وَالْوَفَاءَ بِالنَّذْرِ تَعْرِيضاً لِلْمَغْفِرَةِ وَتَوْفِيَةَ الْمَكَائِلِ وَالْمَوَازِينَ تَغْيِيراً لِلْبَحْسِ وَالتَّهْمِي عَنِ شُرْبِ الْخَمْرِ تَنْزِيهاً عَنِ الرَّجْسِ وَاجْتِنَابَ الْقَدْفِ جِجَاباً عَنِ اللُّغَةِ وَتَرْكَ السَّرْقَةِ إِجَاباً لِلْعَقَّةِ وَحَرَمَ اللَّهُ الشَّرْكَ إِخْلَاصاً لَهُ بِالرُّبُوبِيَّةِ فَاتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ - وَأَطِيعُوا اللَّهَ فِيمَا أَمَرَكُمْ بِهِ وَنَهَاكُمْ عَنْهُ فَإِنَّهُ إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ.»

## ۱. تربیت عبادی - نفسانی و عقلانی انسان

خداوند سبحان در برخی از آیات به عبادت عقلانی و فکری از راه تفکر در مخلوقات خود و جهان هستی امر می‌کند و آن را یکی از نشانه‌های اولی الالباب و صاحبان خرد و عقل معرفی می‌نماید؛ مانند آن‌جا که می‌فرماید: «الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَ قُعُودًا وَ عَلَى جُنُوبِهِمْ وَ يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ...» (آل عمران: ۱۹)؛ «کسانی که [در حال] ایستاده و نشسته و بر پهلوهایشان [آرمیده]، خدا را یاد می‌کنند و در آفرینش آسمان‌ها و زمین تفکر می‌کنند...».

این آیه اشاره دارد که یکی از مراتب متعالی عبادت، تفکر در اسرار آفرینش است و این تدبیر و تفکر اثری از آثار یاد خدای متعال است که همان تربیت نفسانی و عقلانی نامیده می‌شود. با این مرحله از تربیت عبادی است که انسان عابد به مراتب بالای شناخت و عرفان می‌رسد. آیت الله مکارم شیرازی در تفسیر این آیه می‌نویسد:

«نقشه دل‌با و شگفت‌انگیزی که در گوشه و کنار این جهان در پهنه هستی به چشم می‌خورد، آن‌چنان قلوب صاحبان خرد را به خود جذب می‌کند که در جمیع حالات خود چه ایستاده و چه نشسته و یا در حالی که در بستر آرمیده و به پهلو خوابیده‌اند، بیاد پدید آورنده این نظام و اسرار شگرف آن می‌باشند... . در این آیه نخست به ذکر و سپس به فکر اشاره شده است؛ یعنی تنها یادآوری خدا کافی نیست. وقتی این یادآوری ثمره‌های ارزنده‌ای خواهد داشت که آمیخته با تفکر باشد.» (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، بی‌تا: ۲۱۵/۳).

تربیت عبادی - جسمانی و تربیت عبادی - اجتماعی، از آثار وضعی و نتیجه عملی همین تربیت، یعنی تربیت عبادی - نفسانی است. چه آنکه انسانی که در همه حالات خویش، خدا را در نظر داشته باشد، تمام افعال و گفتار او در عیان و نهان بر مبنای تربیت دینی خواهد بود و تربیت جسمانی و اجتماعی او را به تصویر خواهد کشید.

## ۲. تربیت عبادی - جسمانی و جوارحی انسان

برخی از عبادات علاوه بر اثرگذاری روحی و طهارتی که برای قلب و نفس انسان دارد و عقلانیت وی را تکامل می‌بخشد، جسم او را نیز در مسیر تربیت عبادی قرار می‌دهد. به عبارتی، جسم انسان نیز باید در مسیر عبودیت و بندگی خدا به حال خضوع، خشوع و کرنش درآید تا این حالت بندگی و ذلتی که انسان در وجود خود در برابر خداوند احساس می‌کند، در ظاهر و اعضاء و جوارح انسان نیز ظهور و بروز یابد و او به صفات نیکو بیاراید. این نوع تربیت در آیات فراوانی از قرآن کریم به تصویر کشیده شده است. امر به رکوع و سجود (زمر: ۹؛ حج: ۷۷؛ حجر: ۹۸؛ اعراف: ۲۰۶ و...) قیام و قعود (آل عمران: ۱۹۱)، قنوت، طواف و سعی و... همه به بُعد جسمانی عبادت اشاره دارد. در نتیجه این آیات نشان دهنده این است که عبادت روحی و قلبی فقط کافی نیست، بلکه این عبودیت درونی باید در همه اعضا و جوارح انسان تجلی و بروز یابد و بدین

ترتیب، تربیت جسمانی عبد صورت‌بندی شود.

بر اساس متون و منابع دینی، در میان عباداتی که افزون بر تربیت نفسانی، تربیت جوارحی و جسمانی را برای مکلف موجب خواهد شد، «روزه گرفتن» از اهمیت و جایگاه بالاتری برخوردار است. همچنان که در آیه ۱۸۳<sup>۱</sup> سوره بقره پاداش صائمین نیل به تقوا و پرهیزگاری، دانسته شده که تقوا هم ابعاد روحانی هم جسمانی را در بر می‌گیرد. نکته جالب توجه و مرتبط با موضوع بحث در این مقاله آن است که تنها کفاره‌ای که بدنی است و برای بسیاری از موجبات کفاره مقرر شده است، همین روزه گرفتن است. این امر به هدفمندی کفارات برای تهذیب روحی و جسمی مرتکب فعل موجب کفاره دلالت دارد.

پرواضح است که تربیت عبادی - اجتماعی که در ادامه بدان اشاره خواهد شد، بازتابی از تربیت فردی است که طی دو فقره مزبور از نظر گذشت.

### ۳. تربیت عبادی - اجتماعی

برخی از عبادات بیش از آنکه جنبه فردی داشته باشد، جنبه اجتماعی دارد. بدین معنی که اصولاً نمی‌توان تأثیرگذاری فردی هیچ عبادتی را انکار کرده یا نادیده انگاشت، اما عباداتی هستند که افزون بر بعد فردی و شخصی آن، جنبه اجتماعی هم داشته یا بیش از جنبه فردی، دارای جنبه اجتماعی است و آثار تربیتی آن در پهنه اجتماعی متبلور می‌شود. این دسته از عبادات نه تنها انسان را تربیت کرده و او را در مسیر تکامل و سعادت قرار می‌دهد، بلکه ایجاد جامعه‌ای اخلاق محور و تربیت مدار را تضمین کرده و مسیر تعالی و رستگاری را می‌پیماید. تدبیر در ویژگی‌های عبادت‌های شرعی، نمونه‌هایی از این دسته را آشکار می‌سازد. از این جمله است: نماز به ویژه نماز جماعت و جمعه، خمس و زکات، امر به معروف و نهی از منکر و حج.

عبادات نام برده شده مزبور، چندان دور از نظر نبوده و توجه هر متبعی را به خود جلب کرده است؛ اما در این میان، عبادتی که کمتر جنبه‌های فردی و اجتماعی آن از نظر مانده است، «عبادت کفاره» است که پیش‌تر در بیان ماهیت آن، جنبه تأدیبی و تربیتی آن مورد اشاره قرار گرفت. آنچه در ادامه خواهد آمد، شمه‌ای از جنبه‌های اخلاقی و تربیتی است که در پرتو این عبادت برای فرد و جامعه حاصل می‌شود.

### ابعاد تربیتی کفارات از منظر قرآن کریم

در قرآن کریم آیاتی چند در مورد موجبات کفاره و خصال آنها آمده شده است. مروری بر این آیات در این فراز اثربخش خواهد بود. در این کتاب مقدس، بعضی از کفارات بدین شرح بیان

۱ - «یا ایها الذین آمنوا کُتِبَ علیکم الصیام کما کُتِبَ علی الذین من قبلکم لعلکم تتقون.»



شده است: کفارة تراشیدن سر، قبل از قربانی در حج (بقره: ۱۹۶) کفاره صید در حال احرام (مائده: ۹۵) کفاره ظهار<sup>۳</sup> (مجادله: ۳ و ۴) کفاره روزه خواری عمدی (بقره: ۱۸۴) کفاره نقض سوگند (مائده: ۸۹) و کفاره قتل خطایی (نساء: ۹۲)

با مراجعه به آیات مزبور روشن می‌شود که کفارات نام‌برده شده در این آیات، هم از جهت نوع و خصالشان متفاوت است، هم از جهت هدف و فلسفه تشریح آن‌ها، بدین معنی که برخی از این کفارات جنبه عقوبت دارد، مثل کفاره صید، روزه‌خواری عمدی و ظهار و گاهی برای تأدیب قرار داده شده است، مثل کفاره سوگند و گاه به منظور توبه از گناه تشریح شده است؛ مثل کفاره قتل خطایی. صرف نظر از هدف و فلسفه تشریح کفارات و اقسام خصال آن‌ها، اهدافی تربیتی نیز برای آن‌ها قابل شمارش است. به بیانی دیگر هرچند ممکن است فلسفه تشریح یک کفاره خاص، امر مشخصی باشد که ماهیت آن کفاره را معین می‌کند، اما می‌توان برای همه این

۱ - وَ لَا تَحْلِفُوا رُؤُوسَكُمْ حَتَّىٰ يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحَلَّهُ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ بِهِ أَذًى مِنْ رَأْسِهِ فَفَدِيتهُ مِنْ صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسْكَ فَإِذَا أُمِيتُمْ فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فِصِيَامًا ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَ سَبْعَةَ إِذَا رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشْرَةٌ كَامِلَةٌ.

۲ - يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْتُلُوا الصَّيِّدَ وَ أَنْتُمْ حُرْمٌ وَ مَنْ قَتَلَهُ مِنْكُمْ مُتَعَمِّدًا فَجَزَاءٌ مِثْلُ مَا قَتَلَ مِنَ النَّعْمِ يَحْكُمُ بِهِ ذَوَا عَدْلٍ مِنْكُمْ هَدِيًّا بِالِغَايَةِ أَوْ كَفَّارَةٌ طَعَامُ مَسَاكِينَ أَوْ عَدْلٌ ذَلِكِ صِيَامًا لِيَذُوقَ وَبَالَ أَمْرِهِ.

۳ - ظهار از جمله طلاق‌های دوران جاهلی بود که اعراب با این وسیله، همسران خود را طلاق می‌دادند در این نوع طلاق، مرد خطاب به همسرش می‌گوید: پشت تو نسبت به من، همانند پشت مادرم به من است و همان طور که پشت مادرم بر من حرام است، پشت تو نیز بر من حرام هست. هر چند ظهار در زمان جاهلیت پذیرفته شده بود، اما با ظهور اسلام این عمل از نظر قرآن ممنوع اعلام شد؛ و اگر فردی برخلاف دستور قرآن کریم مرتکب ظهار شود، قرآن برای بازگشت وی پرداخت کفاره را شرط دانسته است. (رک مشکینی، ۱۳۸۴، ۳۶۲)

۴ - وَ الَّذِينَ يَظَاهِرُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا قَالُوا فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَا ذَلِكَ تُوعِظُونَ بِهِ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ. فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فِصِيَامًا شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَا فَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَأُطْعِمَ سِتِّينَ مِسْكِينًا ذَلِكَ لِتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَ لِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ.

۵ - أَيَّاماً مَعْدُودَاتٍ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ وَ عَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مِسْكِينٍ فَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ وَ أَنْ تَصُومُوا خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ.

۶ - لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّعْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَ لَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا عَقَّدْتُمُ الْأَيْمَانَ فَكَفَّارَتُهُ إِطْعَامُ عَشْرَةِ مَسَاكِينَ مِنْ أَوْسَطِ مَا تُطْعَمُونَ أَهْلِيكُمْ أَوْ كِسْوَتُهُمْ أَوْ تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فِصِيَامًا ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ ذَلِكَ كَفَّارَةُ أَيْمَانِكُمْ إِذَا حَلَفْتُمْ وَ احْفَظُوا أَيْمَانَكُمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ.

۷ - وَ مَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يَقتُلَ مُؤْمِنًا إِلَّا خَطَاً وَ مَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَاً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَ دِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَى أَهْلِهِ إِلَّا أَنْ يَصَدَّقُوا فَإِنْ كَانَ مِنَ قَوْمٍ عَدُوٍّ لَكُمْ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَ إِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ فَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَى أَهْلِهِ وَ تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فِصِيَامًا شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ تَوْبَةٌ مِنَ اللَّهِ وَ كَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا.

کفارات که در قرآن کریم بیان شده است، ابعاد و اهدافی اخلاقی و تربیتی ذکر کرد که در واری همه آن‌ها نهفته باشد و مکلف را به آن هدف سوق دهد. این اهداف عبارتند از:

### ۱. بازگشت به معبود

یکی از ابعاد مهم اخلاقی و تربیتی دین مبین اسلام، فراهم بودن زمینه بازگشت افراد خطاکار به درگاه ربوبی و پاک شدن گناهان وی است. این پیام الاهی - یعنی توبه - که در آیات متعددی از قرآن کریم جلوه‌گر شده است، اعطای فرصتی دوباره به بندگان است و بیش از آنکه بر امکان ندامت گناه‌کاران دلالت داشته باشد، نشان از بخشایش‌گری معبود است. توبه، خود دارای مراتب و شرایطی است که در مورد برخی گناهان که پیش‌تر از آن‌ها، نام برده شد، ادای کفاره شرط دانسته شده است. همان‌گونه که در وصف حال کفاره قتل غیر عمد فرموده است: «تَوْبَةٌ مِّنَ اللَّهِ». (نساء: ۹۲) یعنی خداوند برای بنده‌ای که به اشتباه کسی را به قتل رسانده، کفاره را وضع نموده که ادای این کفاره، توبه و بازگشت به خداوند است. صاحب تفسیر مجمع البیان در مورد نقش ترکیبی و معنی این فراز از آیه مورد بحث می‌گوید: «تَوْبَةٌ مَفْعُولٌ لِجَلِّهِ [است] یعنی روزه را بخاطر توبه بگیرند و برخی گفته‌اند [مفعول مطلق نوعی است] یعنی تاب الله بذلك علیکم توبه» (طبرسی، ج ۵، ص ۲۹۳) برخی دیگر «توبه» را در این آیه به معنی تخفیفی از سوی خدا دانسته‌اند. بدین معنی که تبدیل آزاد کردن بنده به روزه را نوعی تخفیف در تکلیف و رحمتی از سوی خدا دانسته‌اند. (سیوری، ۱۴۲۵، ج ۲، ص ۳۶۷)

به نظر نگارنده، اصولاً از آنجا که قتل خطایی، به خاطر فقدان عنصر قصد ارتکاب فعل مجرمانه (قتل)، گناه شمرده نمی‌شود، باید مفهوم و هدف از توبه در آیه مربوط را به گونه دیگری ترجمه کرد؛ و آن اینکه شخص مرتکب قتل خطایی با ادای کفاره، از یک سو ناراحتی و تأسف خود از ارتکاب این قتل، بروز داده و از سوی دیگر اثر اجتماعی آن یعنی آزاد شدن یک عبد یا سیر شدن گرسنگان یا پوشیده شدن برهنگان، ظاهر شود تا این امر مرحمی بر قلب مرتکب و آلام جامعه باشد. این توجیه را می‌توان از لفظ «مِن» در «تَوْبَةٌ مِّنَ اللَّهِ»، بهره گرفت. چه اینکه می‌توان میان توبه «الی الله» و توبه «من الله» تفاوت قائل شد. به این بیان که در توبه الی الله، این عبد است که بعد از ارتکاب گناه باید به سوی خدا برگردد و گناه خود را جبران و تدارک کند و در توبه من الله، خداوند متعال به سوی بنده‌ای که خود را معصیت کار می‌داند، بذل لطف و محبت کرده و او را به رحمت خود امیدوار می‌کند.

### ۲. استحکام ایمان به خدا و رسول او

باور داشتن خدا و رسول او لازمه توحید و پرستش خداوند متعال است. این مهم که در لسان دینی و مذهبی «ایمان» نامیده می‌شود، آثار تربیتی و اخلاقی فردی و جمعی بیشماری در پی دارد و انسان و جامعه را از نگون‌بختی رها می‌سازد. از آنجا که چه بسا ارتکاب معصیت، نشان

از ضعف ایمان باشد، لذا لازم است برای تقویت ایمان و ترک گناه راه‌هایی پیش روی موحدان وجود داشته باشد. یکی از اموری که در کتاب خدا برای این منظور معرفی شده است و اثر وضعی آن «ایمان به خدا و رسول» قلمداد شده است، ادای کفاره گناه است. این موضوع در آیه ۴ سوره مجادله در بیان فلسفه کفاره ظهار، این‌گونه به تصویر کشیده شده است که: «...ذَلِكَ لِتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ» حرف «لام» در کلمه «لتؤمنوا» برای بیان علت و جوب کفاره ارتکاب ظهار است. لذا معنی این آیه این‌گونه است که: «این [کفاره] برای آن است که به خدا و رسولش ایمان بیاورید.»

در فقره پایانی آیه مزبور خداوند بر اهمیت ادای کفاره تأکید کرده و برای اینکه همه مسلمانان این مساله را يك امر جدی تلقی کنند، می‌فرماید: «این احکام، حدود و مرزهای الهی است و کسانی که با آن به مخالفت برخیزند و کافر شوند عذاب دردناکی دارند. «وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَ لِكُلِّ فَرِيحٍ عَذَابٌ أَلِيمٌ»

### ۳. مجازات گناه‌کار

مجازات خطاکار جز آنکه موجب چشیدن طعم تلخ کیفر بعد از لذت گناه و جرم، به مجرم و خطاکار می‌شود و او را از ارتکاب مجدد گناه باز می‌دارد، عبرت و بازدارنگی برای دیگران را در پی دارد. از همین رو قرآن فلسفه کفاره شخص مُحرمی که عمداً صید کند، فرموده است: «لِيَذُوقَ وَبَالَ أَمْرِهِ» حرف «لام» در کلمه «لِيَذُوقَ» برای بیان علت تشریح کفاره است. لذا معنی آیه چنین است: «[کفاره صید] برای آن است که کیفر کار خود را بچشد.» طریحی مفهوم «وبال» را «عاقبت کار» دانسته است. (طریحی، ۱۴۱۶، ۵، ۴۹۰)

پرواضح است که یکی از اهداف مجازات در اسلام تأدیب و تطهیر اشخاص و پاک شدن ایشان از گناه است. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۶، ص ۶۴-۶۳) ویژگی خاص کفارات به ویژه کفارات مالی آن است که علاوه بر تأثیر تربیتی برای شخص مرتکب موجب کفاره، برای جامعه نیز منفعت در پی دارد و اقدامی است برای رفع فقر و گرسنگی فقیران. البته مخفی نماند که همانطور که پیش‌تر بیان شد، از آنجا که کفارات عبادت هستند، انجام آن‌ها اعم از کفارات مالی و بدنی باید بدین نیت و همراه با قصد قربت باشد تا علاوه بر تأثیر وضعی آن یعنی نتیجه ظاهری ادای کفارات، اثر تکلیفی آن نیز مترتب شود.

### نتیجه‌گیری

بر اساس آنچه در این مقاله از نظر گذشت، جدای از آنکه به هدف‌مندی و مقصدمداری همه احکام و تکالیف شرعی پرداخته شد، به اثبات رسید که همه عبادات دارای مقاصدی تربیتی و اخلاقی برای انسان هستند. این اهداف و مقاصد، ابعاد نفسانی، جوارحی و اجتماعی انسان را در بر می‌گیرد. در بین عبادات، کفارات از ویژگی خاصی برخوردار است. بدین صورت که همه کفارات جز آنکه ممکن است جنبه مجازات و عقوبت داشته یا مسقط یا تخفیف دهنده گناه باشد، در عین حال جنبه تربیتی داشته و مرتکب گناه مستوجب کفاره را در مسیر تربیت دینی و قرار داده و پایه‌های ایمانی او را مستحکم نموده و به درگاه ربوبی باز می‌گرداند. این همه نشان از رحمانیت پروردگار عالمیان دارد که از یک سو برای محو آثار گناه و تنبیه مرتکب، کفاره را مقرر کرده و از سوی دیگر به کفارات جنبه عبادت بخشیده تا علاوه بر ترتب ثواب آن، آثاری از قبیل آنچه گفته شد، برای آن جعل کند. آثاری که نه فقط فردی است، بلکه نتایج بسیار مهم اجتماعی به همراه دارد.

## فهرست منابع

- قرآن کریم.  
نهج البلاغه، ترجمه فیض.
۱. ابن فارس، احمد، ترتیب مقایس اللغة، تحقیق عبدالسلام محمد، قم، مرکز دراسات الحوزة و الجامعة، چاپ دوم ۱۳۷۸ ش.
  ۲. اصفهانی، سید ابو الحسن، وسیلة النجاة (مع حواشی الإمام الخميني)، در يك جلد، مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، قم - ایران، اول، ۱۴۲۲ ه. ق.
  ۳. بحرانی، آل عصفور، یوسف بن احمد بن ابراهیم، الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة، ۲۵ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، اول، ۱۴۰۵ ه. ق.
  ۴. حلّی، مقداد بن عبد الله سیوری، التنقیح الرائع لمختصر الشرائع، ۴ جلد، انتشارات کتابخانه آية الله مرعشی نجفی - ره، قم - ایران، اول، ۱۴۰۴ ه. ق.
  ۵. \_\_\_\_\_، كنز العرفان في فقه القرآن، ۲ جلد، انتشارات مرتضوی، قم - ایران، اول، ۱۴۲۵ ه. ق.
  ۶. خمینی، سید روح الله موسوی، تحرير الوسیلة، ۲ جلد، مؤسسه مطبوعات دارالعلم، قم - ایران، اول، بی تا، ه. ق.
  ۷. خوانساری، سید احمد بن یوسف، جامع المدارك في شرح مختصر النافع، ۷ جلد، مؤسسه اسماعیلیان، قم - ایران، دوم، ۱۴۰۵ ه. ق.
  ۸. خوبی، سید ابو القاسم موسوی، منهاج الصالحین (للخوئی)، ۲ جلد، نشرمدینه العلم، قم - ایران، ۲، ۱۴۱۰ ه. ق.
  ۹. جمعی از نویسندگان، تعزیرات از دیدگاه فقه و حقوق جزا، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ۱۳۸۶.
  ۱۰. سبزواری، سید عبد الأعلى، مهذب الأحكام (للسبزواری)، ۳۰ جلد، مؤسسه المنار - دفتر حضرت آية الله، قم - ایران، چهارم، ۱۴۱۳ ه. ق.
  ۱۱. طباطبایی، محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، ۲۰ جلد، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی - ایران - قم، چاپ: ۵، ۱۳۷۴ ه. ش.
  ۱۲. طبرسی، احمد بن علی، ترجمه تفسیر مجمع البیان، مترجم حسین نوری همدانی، تهران،

فراهانی بی‌تا.

۱۳. طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، تهران، کتابفروشی مرتضوی، ۱۴۱۶ هـ.ق.
۱۴. عاملی، شهید اول، محمد بن مکی، الدروس الشرعية في فقه الإمامية، ۳ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، دوم، ۱۴۱۷ هـ.ق.
۱۵. \_\_\_\_\_، محمد بن مکی، اللمعة الدمشقية في فقه الإمامية، در يك جلد، دار التراث - الدار الإسلامية، بيروت - لبنان، اول، ۱۴۱۰ هـ.ق.
۱۶. عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی، الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية (المحشى - كالتتر)، ۱۰ جلد، کتابفروشی داوری، قم - ایران، اول، ۱۴۱۰ هـ.ق.
۱۷. \_\_\_\_\_، زین الدین بن علی، مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام، ۱۵ جلد، مؤسسه المعارف الإسلامية، قم - ایران، اول، ۱۴۱۳ هـ.ق.
۱۸. عاملی، محمد بن علی موسوی، مدارك الأحكام في شرح عبادات شرائع الإسلام، ۸ جلد، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، بيروت - لبنان، اول، ۱۴۱۱ هـ.ق.
۱۹. کیدری، قطب الدین، محمد بن حسین، إصباح الشيعة بمصباح الشريعة، در يك جلد، مؤسسه امام صادق عليه السلام، قم - ایران، اول، ۱۴۱۶ هـ.ق.
۲۰. مشکینی، علی، مصطلحات الفقه، قم، دفتر نشر الیهادی، چاپ چهارم، ۱۳۸۴ ش.
- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ۲۸ جلد، دار الکتب الإسلامية - ایران - تهران، چاپ: ۱۰، ۱۳۷۱ هـ.ش.